فهرست مطالب

[اشاره 2](#_Toc447531980)

[سیره عقلاء 2](#_Toc447531981)

[شرایط اعتبار سیره عقلاء 2](#_Toc447531982)

[سیره متشرعه 3](#_Toc447531983)

[جمع‌بندی: 3](#_Toc447531984)

[اقوال در رابطه حکم عام و خاص 3](#_Toc447531985)

[فرض‌های عام و خاص 3](#_Toc447531986)

[عام و خاص در موضوع 3](#_Toc447531987)

[عام و خاص در متعلق 4](#_Toc447531988)

[عام و خاص در مخاطب 4](#_Toc447531989)

[عام و خاص در قید 4](#_Toc447531990)

[دیدگاه‌های مربوط به عام و خاص 4](#_Toc447531991)

[دیدگاه استاد: اصالت الموضوعیه 5](#_Toc447531992)

[رابطه بطن با ظاهر 5](#_Toc447531993)

[تفاوت شرایط تکلیف عام و خاص 6](#_Toc447531994)

## اشاره

در قاعده «امر به معرف و نهی از منکر» در محیط خانه و توسط اعضای خانواده نسبت به دیگر اعضاء، از آیات و روایات ادله را بررسی کردیم. شاید علاوه بر آیات و روایات که ذیل هر کدام ادله جزیی‌تر مورد توجه قرار گرفت، بشود به «سیره» هم اشاره کرد؛ سیره عقلاء و سیره متشرعه با این بیان که:

### سیره عقلاء

در سیره عقلاء این نکته وجود دارد که پدر و مادر باید در قبال فرهنگ و مسائل فرهنگی فرزندان اقدام نماید و این سیره همراه است با یک ارتکاز عقلایی. اگر هیچ دلیل لفظی هم نداشتیم، همین سیره وجود دارد که در همه اعصار و امصار والدین در مورد مسائل فرهنگی بچه‌های خود، خود را مسئول می‌دانستند و مأموریت داشتند و اقدام می‌کردند. شارع مقدس هم از این سیره ردع نکرده است لذا سیره عقلاء مورد تائید شارع است. بنابراین دلالت سیره عقلاء در صورتی تام است که ویژگی‌های زیر را داشته باشد؛

#### شرایط اعتبار سیره عقلاء

دلالت سیره متقوم به مقدماتی است:

1. سیره عقلاء باید در عصر معصوم (ع) بوده و استمرار داشته باشد.

2. سیره از ناحیه شارع مقدس ردع نشده باشد، در مانحن‌فیه نه‌تنها ردع نشده است بلکه مورد تائید نیز قرار گرفته است.

3. سیره مفید تکلیف باشد؛ گاهی سیره به ضمیمه ارتکازات عرفی می‌تواند مفید حکم و تکلیف باشد. سیره عقلاء مبنی بر اقدام والدین همراه با ارتکاز عرفی، می‌تواند الزام یا رجحان را نشان دهد زیرا مورد از مواردی است که ضروری زندگی بشری است و توجه به آن لازم است و از طرفی عدم توجه به آن، نوعی توبیخ را از ناحیه عقلاء در پی دارد.

4. این سیره بر مسائل شرعی منطبق شود. عقلاء ملاحظه می‌کنند که شارع مقدس نسبت به این نوع آداب حساسیت دارد، لذا سیره را در همان چیزی که مورد نظر شارع می‌باشد، جاری می‌کنند.

5. سیره باید سیره عام باشد؛ سیره در مانحن‌فیه نیز عام است و نصیحت، موعظه، امر و نهی و ... نمونه‌ها و مصادیق همان سیره عام است.

با توجه به مقدمات پنج‌گانه بالا بعید نیست که ما قائل به سیره عقلاء در امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی شویم.

این سیره مفید نوعی ولایت هم هست. ولی برای اعمال ولایت، دارای وظایف و حقوق است پس ولایت دارد.

سؤال:قبل از سیره، آیا نمی‌شود از دلیل عقلی استفاده کرد؟

پاسخ استاد:ممکن است. باید ابعاد و زوایای دلیل عقلی تبیین شود. ممکن است شبیه تقریرهایی که در امر به معروف و نهی از منکر عمومی و قاعده ارشاد جاهل داشتیم، در این مورد هم جا دارد. باید از بحث‌های قبل برای تبیین مسئله و دلیل استفاده کرد.

### سیره متشرعه

بعید نیست که سیره متشرعه نیز در مورد امر به معروف و نهی از منکر خانوادگی داشته باشیم.

### جمع‌بندی:

فتحصل مما ذکرنا که ما دو قاعده در باب امر به معروف و نهی از منکر داریم:

1) قاعده امر به معروف و نهی از منکر عامه که مخاطب آن جمیع مکلفین هستند.

2) قاعده امر به معروف و نهی از منکر خاصه که مخاطب آن ولی خانه یا اعضای خانواده هستند. اجتماع این دو قاعده در خانواده باید پذیرفته شود که تکلیف را مؤکد می‌نماید.

### اقوال در رابطه حکم عام و خاص

در مواردی که دو تکلیف عام و خاص داریم، دو تفسیر وجود دارد:

1. تفسیر اول: خاص مصداق تکلیف عام است.

2. تفسیر دوم: تکلیف خاص مصداق تکلیف عام نیست بلکه هر کدام ملاک مستقل دارد اما اجتماع آن دو موجب تأکید تکلیف نسبت به مکلف می‌شود.

### فرض‌های عام و خاص

عام و خاص در یکی از صورت‌های چهارگانه متصور است:

عام و خاص در مخاطب است.

عام و خاص در متعلق حکم است.

عام و خاص در موضوع حکم است.

عام و خاص در قیدی از قیود تکلیف باشد. با این توضیح که:

#### عام و خاص در موضوع

گاهی دلیل می‌گوید: مسلمان را احترام و تکریم کن، که موضوعش عام است؛ دلیل دوم: مؤمن را تکریم کن؛ دلیل سوم: عالم دینی را احترام کن. در این مثال‌ موضوع حکم (متعلق فعل) از عام به خاص است. حکم یکی است که لزوم تکریم و احترام باشد و موضوع آن متغیر است: انسان. مسلمان. مؤمن. عالم. عالم دینی و... سلسله موضوعات از عام به خاص آمده است.

#### عام و خاص در متعلق

گاهی سلسله‌مراتب در متعلق حکم است و ماده حکم روی آن آمده است. دلیل اول: والدین و عالم دینی را احترام کن. دلیل دوم: در مقابل والدین و عالم قیام کن. دلیل سوم: به والدین یا عالم انفاق کن. در این مثال متعلق حکم از عام به خاص حرکت کرده است. حکم «اکرام و احسان» عام و کلی است، «قیام» حکم خاص است و «انفاق» اخص از دو حکم قبلی است. حکم واقعی مفاد هیئت است.

#### عام و خاص در مخاطب

گاهی حکم، متعلق و موضوع یکی است اما مخاطب آن متفاوت است. امر به ارشاد و امر به معروف عموم مکلفین را در برمی‌گیرد. مخاطب آیه شریفه «**وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ**»(آل عمران/104) عموم مکلفین است. اما آیه‌ی «**وَ کانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلاةِ وَ الزَّکاةِ**»(مریم/55) پدر و مادر است؛ هکذا بر اساس آیه وقایه «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»(تحریم/6) از باب اینکه پدر و مادر باید توصیه و امر به نیکی‌ها نمایند. گاهی مخاطب حکم الهی حکومت است. حکم امر و نهی که وجوب و رجحان یکی است اما مخاطبان متفاوت هستند. این سلسله از تکالیف به شکل عام و خاص یک قانون است منتهی چهار قسم است: تفاوت و سلسله‌مراتب در موضوع؛ تفاوت در متعلق؛ تفاوت در مخاطب که این موضوع بحث ما است.

#### عام و خاص در قید

همچنین ممکن است در قیدی از قیود دیگر مراتب باشد که حالت چهارم می‌شود.

آیا خاص مصداق عام است؟

سؤال این است که در مواردی که موضوع و متعلق عام و خاص باشد، آن خطاب خاص بار اضافه دارد؟ یا مثال برای خطاب عام محسوب می‌شود؟ البته این بحث در جایی است که عام و خاص متوافقین باشند نه متخالفین. خطاب‌ها همگن هستند. اگر همگن نباشند یا تخصیص زده می‌شود یا دچار تعارض می‌شود. پس مثبتین هستند زیرا جای تخصیص و تقیید نیست.

در مانحن‌فیه که خطاب عام و خاص موافق هستند؛ موضوع یا مخاطب عام و خاص است. عام به عمومیت خود باقی است و خدشه‌ای در آن وارد نیست. به وحدت حکم عام و خاص هم علم نداریم. سؤال اصولی (اصول فقه) دیگر این است که آیا خاص، مثال و بیان مصداق است؟ یا حکم جدید است؟ در مثال «اکرم العلماء» و «اکرم الفقهاء» که دومی (فقها) مصداق اولی(علما) است. در مثال‌های تجاری هم همین است مانند **اوفوا بالعقود** و ... و هکذا «**قُوا أَنفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا**»(تحریم/6)»مصداق آیه‌ «**وَلْتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ**»(آل عمران/104) است یا خیر؟

### دیدگاه‌های مربوط به عام و خاص

در پاسخ دو نظریه مطرح است:

**1. دیدگاه اول:**  خاص مصداق عام و بیان مثال است.

2. دیدگاه دوم: خاص مصداق عام نیست بلکه هر خطاب حرف جدید است.

اصل آن است که هر عنوان موضوعیت دارد. اصاله الموضوعیه در خطابات شارع جاری است. هر عنوان موضوعیت و اصالت دارد و یکی مصداق دیگری نیست؛ ملاک عنوان خاص متفاوت با عنوان عام است.

در اصول فقه عام و خاص و نیز مطلق و مقید متخالفین که یکی مثبت و دیگری منفی باشد مطرح شده است. ای کاش در عام و خاص و نیز مطلق و مقید که مثبتین هستند در اصول وارد شود.

سؤال: اگر خاص مثال و مصداق حکم باشد، وحدت حکم پیش می‌آید.

پاسخ استاد: خیر، وحدت حکم جایی است که عام و مطلق بر خاص و مقید حمل شود بلکه بیان مصداق و حکم از عام است.

#### دیدگاه استاد: اصالت الموضوعیه

نظر ما این است که این اصل، اصل اولی است مگر اینکه قرینه خاص در بین باشد. در مواردی در قرآن کریم آمده است. اصل آن است که هر خطاب جای خود را دارد و هر کدام ملاک خود را دارد. منتهی نتیجه، تأکید حکم می‌شود؛ زیرا مثبتین هستند. اکرام «عالم» یک درجه است . در «عالم دینی» دو درجه و در «فقیه» سه درجه است. این عرض ما است که دستگاه عام و خاص را تکمیل می‌کند و در متوافقین هم اصل تعدد حکم است چرا که در هر کدام ملاک خاص دارد. این اصاله الموضوعیه و اصاله التأسیس حکم جدید است.

سؤال: اصالت تأسیس خیلی سست شده است.

پاسخ استاد: اگر به استهجان نرسد و الا ‌همین است که فرمودید و می‌شکند ولی اصل مهم تأسیس پابرجا است.

ذکر الخاص بعد العام یدل علی التأکید. آن هم به همین تأکید دارد. آن بحث «معانی و بیان» مؤید بحث ما است.

#### رابطه بطن با ظاهر

تأویل، قواعد خاص خود را دارد و بحث‌هایی از قبیل «گوهر و صدف دین» را که مطرح شده است که نماز مثلاً یعنی نوعی اتصال قلبی با خداوند و نه حرکات جسمی که دستورات شریعت است، این برداشت غلط است. بطون در اصاله المولویه است؛ بطن و معنای باطنی دستورات شریعت، ظهور لفظی را نفی نمی‌کند. آنچه به‌عنوان باطن در روایات وارد شده است با ظاهر تفاوت دارد اما آن را نفی نمی‌کند بلکه دلالت آن طولی است چنانچه صاحب کفایه اشاره فرمودند.

علی‌الاصول با تأکیدات و خطابات عام که متوجه عموم جامعه است و خطابات خاص که متوجه اولیاء خانه می‌باشد، اولیاء مصداق عنوان عام عموم مردم نیستند بلکه حکم متوجه آنان حکم جدید است.

### تفاوت شرایط تکلیف عام و خاص

مطلب دیگر که گفته شد این است که اگر هیچ تفاوت در شرایط و قیود امر به معروف و نهی از منکر عام و خاص نبود، نتیجه تأکید همان حکم اولی است. در ریزه‌کاری‌ها از هم جدا می‌شوند. شرایطی ممکن است در مخاطب عام باشد ولی در مخاطب خاص نباشد، یا بالعکس، تفاوت هم هست. مثلاً خطاب عام مشروط به مکلف بودن فرد مورد امر و نهی است، غیر بالغ لازم نیست امر و نهی نمایند اما تکلیف در فضای خانواده اختصاص به مکلفین و بالغین ندارد و شامل همه می‌شود.

این یک بحث اصولی است که لازم بود بیان شود. بنابراین خطاب‌ها گاهی عام است و گاهی خاص، رابطه خطاب‌ها با همدیگر گاه از نوع رابطه عموم مطلق است و گاهی از نوع رابطه عموم و خصوص من وجه است زیرا متخالفین نیستند. مشکلی ایجاد نمی‌شود و مؤکد همدیگر هستند.